



رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

جمال شورهج (فیلمساز)

نگاهی به مستند «برای سما»

مظلوم جلوه دادن عوامل کشتار و ویرانی در سوریه!

احسان رشیدی

در سال‌های اخیر مستندهای زیادی از دیدگاه معارضین و معاندین دولت سوریه ساخته شده که مستند «برای سما» از اهمیت و جایگاه مهم‌تری بر خوددار است، چون کاندید اسکار در بخش مستند نیز شد و جایزه مستند یفتا را هم دریافت کرد.

خلاصه مستند

مستند «برای سما»، داستان زندگی وعَد الخطیب از اهالی حلب سوریه است که با وجود سختی‌های زندگی در شرایط جنگ سوریه باز هم در حلب می‌ماند وسیعاً دارد کشور خود را از نو بسازد و با همسرش حمزه که پزشک است برای نجات حلب تلاش می‌کنند و زندگی را در حلب به مهاجرت ترجیح می‌دهند.

حضور در جشنواره‌های خارجی و نگاه شبکه‌های معاند

ژولی برتولی، بنیانگذار جایزه چشم طلایی جشنواره کن، درباره این فیلم می‌گوید: «برای سما مانند خنجر در قلب آدم فرو می‌رود، شاید خیلی‌ها با دیدن این فیلم بگویند که نباید چنین تصاویر دلخراشی را نشان داد، اما من این‌طور فکر نمی‌کنم، با دیدن این فیلم متقلب شدم و تمام مدت اشک ریختم، با این فیلم احساسات متفاوتی را تجربه کردم، لحظه‌های خوشبختی و عشق میان این زوج را تجربه کردم و گاهی اشک شادی ریختم، مرگ و زندگی در تار و پود این فیلم به هم خورده‌اند، این فیلم روی دیگری از جنگ را به ما نشان می‌دهد، فیلم‌برداری خطیب در این شرایط مثل مقاومت است، و ظاهراً این فیلم را برای دخترش سما می‌گیرد، اما از این فراتر می‌رود، او این فیلم را می‌گیرد که زنده بماند، به زندگی ادامه دهد و حتی در تاریخ ثبت کند، فیلمی است برای کمک به سوریه‌ها، فیلمی که نشان می‌دهد باید برای حمایت و نجات این مردم کاری کرد، به‌نظر می‌رسد فاجعه‌ای خیلی دور از ما دارد اتفاق می‌افتد اما در واقع، در همین نزدیکی است.»

در جشنواره‌های خارجی جایی برای بیان واقعیت‌ها نیست و باید هم مستند داستانی، برای سما دیده شود و مستندهای ایرانی درباره سوریه دیده نشوند، حتی ارزش‌گذاری خاصی برای این مستندها قائل نیستند و یک مستند سطح پایین که جذابیت مناسبی هم ندارد را نامزد اسکار و برنده جایزه چشم طلایی جشنواره کن می‌کنند، جشنواره کن از اتفاقات منطقه در جهت منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی استفاده سیاسی می‌کند و با دروغ پردازی اهداف خود را در قالب فیلم و مستند به مخاطب دنبال می‌کند.

نقد مستند

مستند «برای سما» یک مستند متوسط است که احساسات مخاطب را نشانه گرفته تا به‌وسیله تحریک عواطف آنان دولت قانونی سوریه را ضد مردم خود قلمداد کند. پشت پرده این مستند عربستان سعودی است، که در شبکه‌های معاند فارسی‌زبان خود به ستایش از این مستند پرداخت و آن را روزشمار یک مادر سوری نامید. این مستند برای اثبات حرف‌های خود از صحنه‌های دلخراشی



استفاده می‌کند تا خود را بر حق نشان دهد و همراهی و دلسوزی بیننده را برانگیزد! در بعضی صحنه‌ها دوربین کارگردان در حالت مستند و بی‌طرف بودن خارج می‌شود و یک فیلم داستانی تدوین شده را به نمایش می‌گذارد که علی‌رغم ریخته شدن خون هزاران انسان بی‌گناه در اثر اشتباه افرادی مانند قهرمانان این مستند و تسلط داعش و سایر تروریست‌ها بر قسمت‌های وسیعی از خاک سوریه، ترمیم چهره‌های ضد وطن و تخریب قهرمانان مقاومت در دستور کار این فیلم قرار داده؛ از نکات قوت داستان دوربین مستند است که بیننده را با خود همراه می‌سازد.

اهداف مستند برای سما

درمستند «برای سما» محور اصلی، حمله به دولت بشار اسد است و از جامعه جهانی می‌خواهد با مداخله نظامی به کمک آنها که یک اقلیت بسیار کوچک از کشور سوریه هستند بیایند، این بی‌بسیرتی به جایی می‌رسد که بشار اسد را بدتر از داعش می‌نامد و می‌گوید گروهی تندرو وارد انقلاب عربی شدند و گذاشتند مستند اصلی طی شود ولی آنها از بشار اسد بدتر نبودند به همین دلیل هم این مستند مورد استقبال جشنواره‌های جهانی قرار گرفت. اما عجیب اینکه پلنفرم‌های وی‌اودی در ایران نیز به ستایش از این مستند پرداختند و آن را یکی از بهترین مستندهای قرن ۲۱ نامیدند و مخاطب خود را به دیدن این مستند بدون هیچ پیش‌زمینه‌ای مانند حمایت شبکه‌های معاند فارسی‌زبان ترغیب کردند.

دمیدن در آتش جنگ سوریه و اختلافات بین مردم

مستند «برای سما» انقلاب عربی را راه‌حل می‌داند و هیچ تفاهم و مصالحه‌ای با دولت را به صلاح نمی‌داند، در صورتی که بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه عفو عمومی اعلام کرد و مردم حلب را در سال ۲۰۱۶ مورد عفو عمومی قرار داد و مردم با شادی از ارتش استقبال کردند، آنها حضور گروه خونخواری مانند داعش و ناامنی مطلق را تجربه کرده بودند، با توجه به حمایت‌های گسترده مردمی از بشار اسد این‌گونه مستندها سعی در دمیدن آتش اختلافات بین حلب و دولت سوریه دارد، از طرفی تفاهمات ایران، سوریه، روسیه، ترکیه باعث ایجاد آرامش نسبی در این مناطق شده و مردم بخش‌های وسیعی از سوریه می‌توانند بدون هراس از داعش و تروریست‌های دیگر زندگی عادی داشته باشند، پنهان کردن پشتیبانی مردم از همراهی با معتزلی‌ها که مدتی به سوءاستفاده تروریست‌ها شد کاملاً در فیلم مشهود است، نا امنی، ناراضیاتی و… با هدف باز کردن پای کشور‌های بیگانه و اشغال کامل سوریه و تسلط مزدوران سعودی نیز از محورهای مهم فیلم هستند.

رسالت مستندسازان

زمانی که واقعیت‌ها در مقابل دیدگان نسل حاضر تحریف می‌شود و هنر، ابزار تأثیرگذار وارونه جلوه دادن تاریخ می‌شود، این مستندسازان هستند که با سه‌پایه‌گیری از حجم انبوه فیلم‌های مستند موجود و نامت مردم از همراهی با عناصر جدایی‌طلب و به تصویر کشیدن خسارات جبران‌ناپذیری که اقدامات نسنجیده آنها به مردم سوریه وارد کرد، می‌توانند در این میدان نبرد ورود پیدا کنند و راه یک‌سویه‌نگری را بر این‌گونه آثار سفارشی عربی عبری بست.

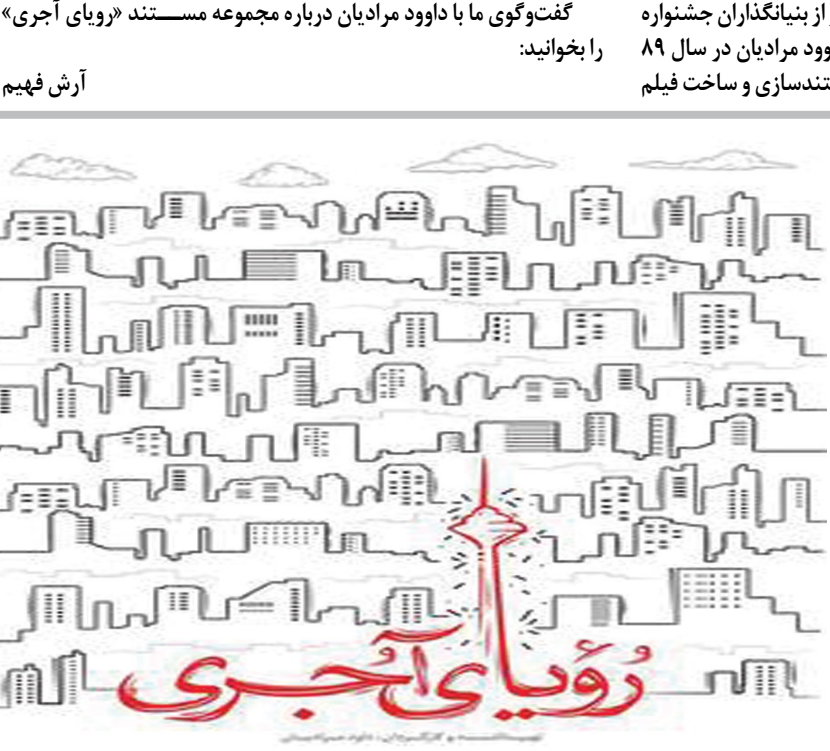
جمع‌بندی

مستندسازان این عرصه نیاز به حمایت و پشتیبانی دارند تا سرمایه‌گذاری کلان امپریالیسم و شبکه‌های سعودی را با شکست مواجه سازند، امروزه مستند داستانی از مهم‌ترین شاخه‌های سینما محسوب می‌شود و می‌توانیم واقعیات جذاب مکتوم جبهه مقاومت را بر جهانیان نشان دهیم.



کوتاه ادامه داد. حالا در سن ۴۱ سالگی، به پختگی رسیده و مجموعه مستند «روپای آجری» را می‌توان حاصل این تجربیات دانست. مجموعه مستندی که هم دارای پژوهشی سنگین است و رازهای ناگفته‌ای از مدیریت حوزه مسکن را برپلا می‌کند و هم از فرمی زیبا و دلنشین برخوردار است. ضرباهنگ و ریتم و روایت داستانی و دراماتیک «روپای آجری» را به مستندی تماشایی تبدیل کرده است. هر چند که بخش این مستند از تلویزیون به پایان رسیده است اما در اینترنت قابل دسترسی است. ضمن اینکه مرادیان به ما قول داده تا متن «روپای آجری» را در اختیارمان بگذارد تا در کیهان منتشر شود و به سندی مکتوب درباره سرگذشت مسکن در ایران هم تبدیل شود.

گفت‌وگوی ما با داوود مرادیان درباره مجموعه مستند «روپای آجری» را بخوانید:
را بخوانید:



گفت‌وگو با داوود مرادیان، کارگردان مجموعه مستند «روپای آجری»

افشاگری دراماتیک علیه مافیای مسکن

مردم باید بدانند سرمایه‌داری فاسد چه بلایی بر سر اقتصاد و مسکن آورده است

همه واکنش‌های منفی به این مستند به خاطر قبیله‌گرایی

است. یک منتقد سینما مدعی شد است که فرم مستند فلان است! من از همین منتقد دعوت می‌کنم اگر جرأت دارد با من مناظره کند! چطور همین فرم وقتی توسط افرادی که تا پژوهش ما غنی‌تر شود، چون فیلم‌ها و تصاویر نابلی دست ما می‌رسد البته نمی‌گویم که مشکل نداشتم، دائم دچار اختلاف می‌شدمیم و حتی گاهی از ما می‌خواستند که برخی از تصاویر را پاک کنیم، اما در مجموع همکاری خوب آرشوی مرکزی صدواسیما باعث شد این مجموعه مستند به این شکل در بیاید. اما در قسمت‌های سوم و چهارم که به ماجرای کتابدایی می‌پردازد، بی‌تردید نقش آقای حسن روزی طلب خیلی پررنگ است و تا حدی هم مرکز اسناد انقلاب اسلامی نقش داشت.

در سرآغاز هر قسمت ذکر می‌شود که این مستند بطبی به جناح‌های سیاسی ندارد و صرفاً به زمینه‌های یکی از بزرگ‌ترین مشکلات اکثریت مردم، پرداخته است؛ اما طی روزهایی که کار بخش می‌شد، واکنش‌هایی را دیدیم که اغلب سیاسی بودند. مثلاً خیلی از روزنامه‌های سیاسی به خاطر این مستند به صدواسیما حمله کردند و حتی درباره تخریب یکی از بزرگان نظام تیتز زدند. چرا؟

یکی از روزنامه‌ها یادداشتی علیه این مستند نوشته و بدون ارائه حتی یک سند محتوای این کار را رد کرده است، جالب این است که تمام متن منتشر شده در این روزنامه، ستایش از قبیله‌گرایی است و نوشته‌اند که چرا از مسئولان یک دولت -که متعلق به قبیله آنها بوده- انتقاد شده است!



آب و... نوشته‌اند و موجود است را بخوانند. حتی خاطرات آقای ناطق نوری درباره ماجرای استیضاح و فاش شدن افرادی که زمین‌هایی گرفته بودند و... این‌ها را که دیگر ما نوشتیم! ای کاش برخی از افرادی که مسبب وضع فعلی مسکن در ایران هستند، بجای اینکه طلبکار باشند، اشتباهاتشان را می‌پذیرفتند و یک بار از مردم عذرخواهی می‌کردند. سؤال من از این قبیله این است که ما مردم پاره‌نه ایران طی ۴۰ سال اخیر حدود ۴۰۰ هزار شهید دادیم، ما چه بدهی‌ای به شما داریم؟ چرا قبیله‌ای که مثل الیگارشی عمل کردند و باید پاسخگوی ما باشد، همیشه در مقابل طلبکار است؟ ما سیاه نمی‌نویسیم، برخی مدیریشان سیاه است!

چه واکنش‌های دیگری را دیدید؟

باید به اخیر روزنامه کیهان درباره «روپای آجری» و به ویژه تیتز یک این روزنامه در ۱۴ مرداد اشاره کنم که واقعا نجات بخش بود. با اینکه کار از شبکه مستند بخش شد اما مردم عادی که خودشان دست به‌گیران با مسئله مسکن هستند، آن را دیدند. و به نظر آن‌ا چیزی که قبیله‌گراها را ترسانده است، بازمانعی تصویر واقعی امام خمینی(ره) در این مستند است. یک نفر که در کاخ زندگی می‌کند و دوست دارد امام را شبیبه خودش معرفی کند، وقتی یکی خمینی را می‌بیند که در خانه کاهلگی است و دغدغه پابرنگان را دارد و می‌گوید برای زاغه نشینان کار کنید، عصبانی و برآشفته می‌شود! چون وقتی مردم با این چهره امام انس پیدا کنند، آنوقت به آن کاخ‌نشین می‌گویند تو همان محمدرضا پهلوی و فرح هستی، فقط ظاهرت فرق دار!

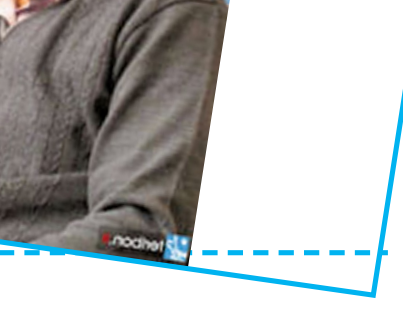
آیا طور که خبر دارم، کار ساخت مستند مدتی قبل تمام شده بود، چرا بخش آن تا الان طول کشید؟
بالاخره می‌بینید که چه شرایطی وجود دارد و چه واکنش‌هایی در پی دارد!

پس چه شد که الان شبکه مستند آن را بخش کرد؟
چون مدیر شبکه مستند جگر دار!به محسن زیدی (مدیر شبکه مستند) گفتم که اگر بخش مستند برایت دردرساز

شما همیشه در جلسات و نشست‌های سینمایی روی فرم مستند خودتان حرف بزنید چه مواردی است؟

ما در «روپای آجری» رنگ، نور و موسیقی را رها کردیم، چون کار کم به دقیقه اصلاحیه می‌خورد. حرف بزرگ ما در

فرم این مستند، قصه‌گویی است. یعنی شما دارید یک فیلم مستند مبتنی بر اسناد و پژوهش را می‌بینید اما گویی درحال تماشای یک فیلم سینمایی هستید! درام و فرود و حتی قهرمان و ضدقهرمان دارد. در هر قسمت، هم یک شخصیت منفی حضور دارد و هم یک قهرمان تنها! این خیلی مهم است که یک مستند، هم روزنالیستی باشد و هم دراماتیز.



به عنوان یک نفر که تجربه پژوهشی سنگین و ساخت مستندندی در حوزه مسکن را از سر گذرانده، امیدوی به حل مسئله مسکن در ایران دارید؟
همین الان اگر قانون مالیات بر عایدی سرمایه تصویب و اعلام اجرا شود، قیمت مسکن نصف می‌شود. پس مسئله مسکن در ایران به سرعت قابل حل است.

کار بعدی‌تان چیست؟

مجموعه مستند شبیبه به «روپای آجری» تولید کرده‌ام که به مسئله ارز از دوران پهلوی تا الان می‌پردازد. اگر مشکلی پیش نیاید، این مجموعه مستند هم به زودی از شبکه مستند بخش خواهد شد.

ممنون از فرصتی که در اختیارمان قرار دادید. در پایان اگر ناگفته‌ای باقی مانده، بفرمایید.

من هم از شما ممنونم فقط این نکته که من دو بار تقاضای پروانه ساخت فیلم سینمایی داستانی دادم اما هر دو بار رد شد! سوالم از اعضای محترم شورای صدور پروانه ساخت وزارت ارشاد و به‌ویژه آقای فریدون جیرانی این است: من هم فیلم سینمایی کوتاه نگاتیو ساختم‌ام و تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار و کارگردان هم خودم بودم، هم فیلم کوتاه و جوایز میان اندازه بین‌المللی دارم و به تعداد بی‌شماری هم فیلم مستند کارگردانی کرده‌ام؛ این اگر هم سینمانمای باشد، سینمانمایی علیه الیگارشی است.

بی‌اهمیت‌تر اثر هنری خلق کنم.

*** آیا واقعا امید دارید که بتوان با کار هنری و آثار سینمایی و نمایشی، مشکلات بشر را حل کرد؟**
-در سؤال شما نوعی تردید وجود دارد. حقیقتاً در اروپا به‌طور کلی در غرب، هنر در انحصار صهیونیسم است و آنها در راستای اهداف خود از آن، بهره‌مرداری می‌کنند. اما ما امیدواریم که بتوانیم از هنر، برای گسترش صلح و عدالت در جهان استفاده کنیم.

*** نظر شما درباره سینمای غالب بر جهان، یعنی هالیوود چیست؟**

-هالیوود یک اسلحه‌ای در دست آمریکااست تا ازطریق آن، سیاست خارجی‌اش را پیش ببرد.

*** آیا با سینمای ایران آشنا هستید؟**

-درباره سینمای ایران شنیده‌ام، اما فیلم‌های زیادی را ندیده‌ام. پیش از این فیلم «مریم مقدس» را دیده بودم که بسیار زیود بود. همچنین درمدت ۱۰ روزی که در ایران سپری کردم، بیش از ۹۰ فیلم کوتاه ایرانی دیدم که از سطح بالایی آنها تعجب کردم. همچنین فیلم «ملک سلیمان» را هم در اینجا تماشا کردم که نشان می‌داد، سینمای ایران از نظر فنی سطح بسیار بالایی دارد.

*** مردم غرب، به‌خصوص آزادی‌خواهان و صلح‌طلبان چه نظری درباره کشور ایران دارند؟ خود شما نظران چیست؟**

-مرد دنیا، ملت ایران را به عنوان کشوری که در مقابل آمریکا و صهیونیسم مقاومت می‌کند می‌شناسند. نظر من هم این است که ایران دارای یک فرهنگ و تمدن بسیار بزرگ است.

*** ضمن تشکر از شما به خاطر این که امکان این مصاحبه را فراهم کردید. در پایان اگر پیامی برای مردم ایران دارید بفرمایید.**

-من هم از شما ممنون هستم و از استقبال گرم مردم ایران تشکر می‌کنم؛ من بازم به ایران خواهم آمد. فقط از مردم ایران خواهش می‌کنم که در راندنگی خود بیشتر دقت کنند.

صفحه ۸

دوشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۹۹

۲۰ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ - شماره ۲۲۵۳۴



جواد ارتدگانی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

مجید مجیدی (فیلمساز)

هادی محمدیان (پویانما)

آرش سلطوور (فیلمساز)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

مهدی قلیه (بازیگر)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی تقویان (مستندساز)

داوود میربالایی (فیلمساز)

برویخ شیخ طادی (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

جمال شورهج (فیلمساز)